اسرار سیاسی حج از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری

حمید نگارش

چکيده

حج، بزرگ‌ترين کنگرة اسلامي است. شکوهمندترين محفل ديدار خالق و مخلوق و پر رمز و رازترين عبادت و سير اِلي الله است که با دل کندن از همة تعلقات دنيوي آغاز مي‌شود و تا ديدار يار ادامه مي‌يابد.

اين نوشتار مي‌کوشد گوشه‌هايي از رمز و راز اين سفر معنوي را که در بيانات، پيام ها و مکتوبات رهبران انقلاب و نظام مقدس جمهوري اسلامي (امام خميني (ره) و مقام معظم رهبري ـ مدّ ظلّه عالي ـ ) آمده است، به رشته تحرير درآورد. اسرار و آرايي را که اين مقال از آن دو بزرگوار بيان مي‌کند، سه محور سياسي (اجتماعي)، عرفاني و اخلاقي دارد. محور نخست، تفصيلي و محور دوم و سوم، اجمالي است.

کليدواژه‌ها : حج، اسرار، امام خميني(ره) ، مقام معظم رهبري، حجّ ابراهيمي.

مقدّمه

حج و عمره، بزرگ‌ترين همايش اسلامي است. در اين گردهمايي نمايندگان و زائران بيش از يکصد کشور جهان شرکت دارند. حج و عمره شکوهمندترين محفل ديدار خالق و مخلوق و از پر رمز و رازترين عبادات است. با سير اِلي الله است که دل کندن از همة تعلقات دنيوي آغاز مي‌شود و تا ديدار يار ادامه مي‌يابد.

حج، سفري معنوي است‌كه بندگان خداجوي، به عشق وشوق لقاي حق و درجهت تبعيت از دستورات الهي وپالايش روح، به‌آن همّت مي‌گمارند. ديار وحي، بهترين ميعادگاه ملل مسلمان است که درآن، مسلمانان با يکديگر آشنا مي‌شوند و ضمن بررسي مشکلات، درصدد رفع آن‌ها بر مي‌آيند.

حج، يادآور رنج‌ها و مصائب چندين سالة پيامبر (صلی الله علیه و آله) در مسير اعتلاي اسلام و رستگاري بشريت است. با همة طرح‌ها و برنامه‌ها و تجاربي که در جهت استفادة هرچه بهتر از اين کنگره صورت گرفته، هنوز از بسياري از ظرفيت‌هاي حج استفادة وافي و کافي نمي‌شود؛ در اين رهگذر، بهره‌گيري از نظريات رهبران دين، راه ما را براي رسيدن به مقصود واقعي حج هموارتر مي‌نمايد. بر اين اساس، اين مقاله در صدد است از ديدگاه‌هاي رهبر کبير انقلاب اسلامي، امام خميني (ره) و خلف صالح ايشان، مقام معظم رهبري، حضرت آيت اللّه خامنه‌اي ـ زيد عزّه العالي ـ استفاده نمايد تا گوشه‌هايي از رمز و رازهاي اين سفر معنوي را بازشناسي نمايد. روشن است كه کاربرد اسرار به دليل پنهان بودن حکمت‌هاست و توجه به فلسفه و اسرار، راه را براي تحقق بخشيدن به اهداف عالي عبادات در حج و عمره هموارتر مي‌نمايد؛ چراکه با آگاهي از اسرار اعمال، اشتياق بيشتري در جهت نيل به آن در مکلّف ايجاد مي‌شود و او را به تحقّق مقاصد رهنمون مي‌سازد. 1

مقدمه را با دعايي از مقام معظم رهبري ـ ايّده الله تعالي ـ در بارة امام خميني (ره) ، احياگر حجّ ابراهيمي پي مي‌گيريم:

«... بارالها! بر بندة صالح متواضعت، امام خميني که رضاي تو را بر رضاي ديگران برگزيد و در راه اعلاي کلمه تو و احياي دين تو، رنج‌هاي گران بر جان خريد و مجاهدت در راه ملت ابراهيمي و سنت محمّدي(صلی الله علیه و آله) را به نهايت رساند و در اين راه لحظه‌اي از حرکت و تلاش باز نايستاد، با نام و ياد تو زيست و با اميد و عشق تو به ملکوت اعلي پيوست، سلام و رحمت و رضوان فرست و کلمة او را رفعت بخش و راه او را رونق بخش و ميراث يگانة او را در پناه خود حفظ کن و آرزوها و هدف‌هاي او را محقق ساز و ما را از اخلاف نيک او قرار ده...»2

اسرار اجتماعي و سياسي حج

دشمنان و بيگانگان براي ضربه زدن به اسلام و آموزه‌هاي آن، اقدام به تحريف کرده و کوشيدند معاني حقيقي و واقعي آن‌ها را تغيير دهند. آنان تصور مي‌کردند که با اين حربه مي‌توانند دين را به حاشيه رانده و از صحنه‌هاي زندگي مردم دور نگه دارند؛ از اين‌رو، اسلام که همواره مانع حرکت بيگانگان بوده، با اين رويکرد که اعمال عباديِ دين تنها جنبة فردي دارد و به دور از مسائل سياسي و اجتماعي است، تبليغ و تفسير ‌شد. روح حماسي را از کالبد دين و آموزه‌هاي ديني برداشتند. بسياري از مفاهيم ديني، معناي واقعي خود را در ميان مردم از دست داد. مفاهيمي چون زهد، توکل، غيبت و انتظار فرج مفهومي مرده يافتند. زاهد در مفهوم مرده، کسي بود که گوشة عُزلت اختيار مي‌کرد و به منظور اين‌که زودتر به آخرت برسد، از تماس و حضور در اجتماع خودداري مي‌کرد. کسي که مي‌خواست وظيفه را از دوش خود بردارد و تحرک نداشته باشد، از توکّل دم مي‌زد و...

اين تفسيرهاي ناصواب، دامن حج را نيز گرفته است. بررسي‌هاي تاريخي همواره نشان مي‌دهد که اين فريضة الهي، از سوي سران شرک و حاکمانِ ظلم و جور، به سمت بي محتوايي و اکتفا نمودن به شکل ظاهريِ آن هدايت شده است، اما با ظهور انقلاب اسلامي و احياگري آن يگانة دوران، خميني کبير، ديري نگذشت که نگاه‌ها به سمت و سوي اين عبادت بزرگ افتاد و امام(ره) در پيام‌هاي خود، حجّ ابراهيمي را با همة ابعاد آن، تفسير کردند. در تفسير امام، آن‌چه موجود و ملموس است، زنده شدن بُعد سياسي و اجتماعي حج است. امام معتقد بودند که درد بزرگ جوامع اسلامي، عدم درک فلسفة احکام الهي است و حج با آن همه راز و عظمتي که دارد، هنوز به صورت يک عبادت خشک و حرکت بي‌حاصل و بي‌ثمر باقي مانده است. ايشان بر مسلمانان وظيفه مي‌دانست که حج را کاملاً بشناسند و با اهداف آن آشنا شوند. آن‌چه تا کنون با عنوان «حج» انجام مي‌گرفته، از ناحية ناآگاهان و يا تحليل‌گران مغرض تفسير مي‌شده است، لذا ضمن ردّ اين تفکر انحرافي، با زبان نقد به اين موضوع توجّه مي‌فرمود:

«...به حج چه كه چگونه بايد زيست و چطور بايد مبارزه كرد و با چه كيفيت در مقابل جهان سرمايه داري و كمونيسم ايستاد! به حج چه كه حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمين بايد ستاند...!

به حج چه كه مسلمانان بايد به عنوان يك نيروي بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمايي كنند! به حج چه كه مسلمانان را عليه حكومت‌هاي وابسته بشوراند...؟!»3

ايشان در پاسخ اين نوع تفکّر وابسته و بي‌هويت مي‌فرمايد:

«... حج كانون معارف الهي است كه از آن محتواي سياست اسلام را در تمامي زواياي زندگي بايد جستجو نمود... ‏مناسک حج، مناسک زندگي است... حج، تنظيم و تمرين و تشکل اين زندگي توحيدي است... حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند مي‌شوند.

حجِ بي‏روح و بي‏تحرك و قيام، حج بي‏برائت، حج بي‏وحدت، و حجي كه از آن هدم كفر و شرك بر نيايد، حج نيست.»4

مقام معظم رهبري حضرت آيت الله خامنه‌اي نيز ضمن تأييد تفکر امام مي‌فرمايد:

«كدامين جان تشنه است كه از فيض كوثر محمّدي(صلی الله علیه و آله) و جوشش زمزم حسيني، اين جرعه‏ها را بنوشد و هنوز در مضمون سياسي حج دچار ترديد و ابهام باشد؟

حج بي برائت، حج بي وحدت، حج بي تحرك وقيام، حجي كه از آن تهديد كفر و شرك برنخيزد، حج نيست و روح ومعناي حج را فاقد است. بت‌هاي بزهكار استبداد و استعمار، حكمرانان از خدا بي‏خبر و قدرت‌هاي سلطه‏گر جهاني، در گذشته و حال، همواره از حجِ با مضمون سازنده و روشن و الهام‌بخش، به‌شدت ترسيده و با آن به مقابله برخاسته‏اند... بدانيد كه هر كس حج را از هويت سياسي آن جدا كند، يا جاهل است و يا مغرض.»5

بنابراين، ويژگي بارز حجّ ابراهيمي از منظر امام امت و رهبر معظم انقلاب، اسرار و ابعاد سياسي آن است. توجه به اين بُعد حج، دلايل زيادي که با الهام از رهنمودهاي امام و مقام معظم رهبري، به بعضي از آن‌ها اشاره مي‌شود:

1. تحکيم وحدت ميان مسلمانان

در سراسر دنيا، هيچ مسلماني يافت نمي‌شود که در وضعيت کنوني، نگاه مثبت به اهميت وحدت نداشته باشد. امروز حيله‌ها و نقشه‌هاي دشمنان بر مردم مسلمان دنيا روشن شده وکيست که نداند زورمداران در صدد دامن زدن به اختلافات فرقه‌اي هستند. منازعات و کشمکش‌هاي گذشته و کنوني جهان، علي‌رغم تلاش‌هاي گستردة رهبران جوامع و دولت‌ها، همچنان رو به تزايد نهاده و هر روز بر ميزان قربانيان اختلافات داخلي، منطقه‌اي و بين المللي افزوده مي‌گردد و به موازات آن حجم بيشتري از سرمايه‌هاي مادي و معنوي ملت‌ها قرباني مطامع جنگ افروزان و تفرقه‌انگيزان مي‌شود.

تجربة تاريخي، گوياي اين مطلب است که تکيه و تعصب بر عواملي چون: قوميت‌گرايي و ناسيوناليسم، نژاد و رنگ و مانند آن، مانع رسيدن به آرمان‌هاي تعالي‌بخش مي‌گردد. بر مبناي همين نگرش است که امام خميني(ره) ‌فرموده‌اند:

« اگر ملت‌هاي مسلم... برادر با هم باشند و به برادري با هم رفتار كنند، هيچ آسيبي بر اين‌ها واقع نمي‏شود و هيچ يك از ابرقدرت‌ها قدرت اين‌كه تجاوز به آن‌ها بكنند ندارند.»6

از منظر امام، امروز مهم‌ترين طرح ابرقدرت‌ها ايجاد اختلاف است:

« امروز وضع سياسي دنيا طوري است كه تمام كشورهاي عالم در تحت نظر سياسي ابرقدرت‌ها هستند. همه جا را ناظر هستند و براي شكست همة طوايف و قشرهاي ديگر طرح‌ها دارند و مهمِّ طرح‌ها آن است كه بين برادرها اختلاف ايجاد كنند.»7

« اين اختلافِ شما كه الآن هست و هر روز هم ريشه دارتر مي‏شود... مي‏دانيد چه ضرري داريد به اسلام مي‏زنيد؟ ... و چه خدمتي داريد به آمريكا مي‏كنيد؟!»8

مقام معظم رهبري در اين باره مي‌فرمايند:

«... از مسائل مهم اين روزگار، مسألة اختلافات فرقه‌اي ميان مسلمين است... در اين باب، سخن تازه آن است كه پس از پيروزي انقلاب اسلامي در ايران و گسترش فكر آن در سراسر آفاق اسلامي، يكي از ترفندهاي استكبار در مقابله با اين موج همه‏گير اسلامي اين بوده است كه از سويي انقلاب اسلامي ايران را يك حركت شيعي به معناي فرقه‌اي آن ـ و نه اسلامي به معناي عام ـ معرفي كرده و از سوي ديگر، در ايجاد نفاق و نقار ميان شيعه و سني سعي بليغ كنند. ما از آغاز با توجه به اين مكر شيطاني، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمين داشته و كوشيده‏ايم اين فتنه‏گري را خنثي كنيم...»9

در اين باره توجه به چند نکته ضروري است:

1ـ 1 ـ تأكيد قرآن و احاديث بر وحدت اسلامي

واژه‌هايي چون تعاون، جماعت، اجتماع، مودّت، اخوّت، الفت، تأليف قلوب و... در متون ديني ما زياد وارد شده است و به نوعي دربردارندة معناي وحدت و اتحاد مي‌باشد که به بعضي از اين آيات اشاره مي‌شود:

ـ ( تَعاوَنُوا عَلَي الْبِرِّ وَ التَّقْوي‏ ) (مائده : 2).

«در نيكوكاري و پرهيزگاري با يكديگر همكاري كنيد.»

ـ ( وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ) (روم : 21).

«و در ميانتان مودت و رحمت قرار داد.»

ـ ( إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَة ) (حجرات: 10).

«مؤمنان برادر يکديگرند.»

ـ ( وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا ) (آل عمران : 103).

«همگي به ريسمان خدا چنگ زده و پراکنده نشويد.»

ـ ( كَانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً ) (بقره : 213).

«مردم در آغاز يک دسته بودند و (به تدريج اختلافاتي در ميان آن‌ها پيدا شد.)»

هم‌چنين درکلام نوراني معصومان(علیهم السلام) واژه‌هايي چون «جماعت»، «تواصل» به‌کار رفته است دربردارندة مفهوم وحدت مي‌باشد. پيامبر خدا(صلی الله علیه و آله) در حديثي مي‌فرمايند:

«مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». 10

«کسي که از جماعت، افتراق جويد، جاهل از دنيا مي‌رود.»

علي(علیه السلام) نيز در وصف جماعت مي‌فرمايد:

«فَإِنَّ يَدَ اللهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ». 11

«همانا دست خدا با جماعت است و بر شماست پرهيز از افتراق و جدايي.»

«وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاصُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ». 12

«بر شما باد پيوستن با يکديگر و بخشش همديگر، مبادا از هم روي برگردانيد و پيوند دوستي را از بين ببريد.»

2 ـ 1ـ اهداف طرح وحدت اسلامي

هدف از طرح موضوع «وحدت اسلامي ميان‌ملت‌هاي مسلمان» اين نبود که شيعيان از اعتقادات خود دست بردارند و يا سني‌ها گرايش به شيعه پيدا کنند؛ بلکه با توجه به مشترکاتي که ميان همة مذاهب و فرقه‌هاي اسلامي وجود دارد، مي‌توان همة مسلمانان را در صف واحد در برابر دشمنان قسم خوردة اسلام قرار داد. اختلاف در بعضي از مسائل اعتقادي و احکام شرعي که نتيجة اجتهاد و تحقيقات علمي است، نبايد باعث جدايي و دوري ملت‌هاي مسلمان شود و متفکران مذاهب همچنان در صحنة بحث و استدلال براي تحقّق حق به اقامة دليل مي‌پردازند، بايد در عرصة زندگي اجتماعي نيز با توجه به مصالح کلّ امت اسلامي، تدابير ويژه اتخاذ نمايند. با اين رويكرد مي‌توان نتيجه گرفت که هدف از طرح وحدت اسلامي، عزّت و سربلندي اسلام و امت اسلامي است. اين طرح مي‌کوشد تفکر اسلام ناب محمّدي(صلی الله علیه و آله) را به عنوان يک فرهنگ، در بينش و برداشت مسلمانان در جهت اقتدار امت اسلامي قرار دهد.

3- 1- راهکارهاي شکل‌گيري وحدت

بديهي است ترسيم راهکارهاي مناسب براي به وجود آمدن وحدت اسلامي ميان مسلمانان، بايد دغدغة اصلي همة دلسوزان اسلام و مسلمين باشد. با الهام از رهنمودهاي امام و رهبري، به بعضي از اين راهکارها اشاره مي‌شود:

1ـ 3ـ 1ـ بازگشت به قرآن

وحدت اسلامي نيازمند محوري است که مسلمانان بتوانند با چنگ زدن به آن، گرد هم آيند و بر اساس آن، به اهداف مشترک و منافع دنيوي و اخروي خود بينديشند. به باور مسلمانان جهان، اصلي‌ترين، ريشه‌دارترين و استوارترين محور وحدت و برادري، قرآن کريم است که وثاقت، اعتبار الهي بودن و نجات بخشي آن مورد قبول و اتفاق نظر همة مسلمانان و مذاهب اسلامي است. از نگاه قرآن، انسان‌ها در آفرينش از يک گوهرند، ليکن به سبب امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفيت‌هاي او و نيز دنياطلبي، فرقه‌گرايي و تفرقه‌افکني‌هاي دشمنان، اين وحدت فروپاشيده است که براي تحقّق دوبارة آن و شکل‌گيري امت واحد قرآني، اين کتاب الهي مؤلفه‌هاي اخوّت، مودّت، الفت و رحمت مسلمانان نسبت به يكديگر و مانند آن را پيشنهاد مي‌کند. وقتي همه بدانند خالقشان يکي است و همه از يک اصل و يک پدر و مادر به وجود آمده‌اند، اخوت و وحدت در ميان آن‌ها برقرار مي‌شود وبه‌حکم آية ( إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَة ) مي‌كوشند آن‌چه را براي خود دوست دارند براي برادر ديني‌شان هم دوست بدارند. باري قرآن از بنيان‌ها و عواملي سخن به ميان مي‌آورد که مي‌تواند مهم‌ترين نقش را در شکل‌گيري انسجام اسلامي ايفا نمايد. بعضي از اين عوامل عبارت‌اند از:

الف: توحيد

قرآن کريم خداوند را به عنوان کمال نهايي هستي مطرح نموده است. مبدئي که به تعبير فيلسوفان، بالذات واجب الوجود است و به هيچ چيز وابستگي ندارد و همة موجودات وابسته به او هستند. اين محور بزرگ هستي سبب شده است که همة مؤمنان متّحد و همنوا شوند، به طرف او روي آورند، در جهت رضاي او حرکت کنند و بکوشند اعمال خود را في سبيل الله و قربة إلي الله انجام دهند. ايمان به مبدأ واحد، از مهم‌ترين عوامل شکل‌گيري وفاق عمومي و همگاني است.

اين يکتاپرستي، تمام خداپرستان را در يک رابطه متّحد مي‌کند؛ به‌طوري‌که تمام افراد از آن‌رو که گردن به بندگي نهاده‌اند، در جميع حقوق و تعهدات با هم برابرند و جز در برابر خداوند تسليم نيستند و معتقدند که او حاکم علي‌الاطلاق است و همگان را به هم پيوند مي‌دهد. قرآن مي‌فرمايد:

( فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقي‏ لا انْفِصامَ لَها وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيم ‏).13

مقام معظم رهبري حج را مظهر توحيد و کعبه را خانة توحيد معرفي کرده، مي‌فرمايد:

«اين‏كه در آيات كريمة مربوط به حج، بارها از ذكرالله سخن رفته، نشانة آن است كه در اين خانه و به بركت آن، بايد هر عامل غير خدا از صحنة ذهن و عمل مسلمين زدوده شود و بساط انواع شرك از زندگي آنان برچيده شود. در اين محيط، محور و مركز هر حركتي خداست و طواف و سعي و رمي و وقوف و ديگر شعائر الله حج، هر يك به نحوي نمايش انجذاب به «الله» و طرد و نفي و برائت از «اندادالله» است.»14

ب: عمل صالح

عمل صالح، همان رفتار در مسير الهي است. اين حالت، فارغ از هرگونه ويژگي‌هاي فردي، قومي و نژادي مطرح گرديده است؛ چرا که ريشة آن به صورت عمومي در ذات و فطرت آدمي است و در همة انسان‌ها وجود دارد. قرآن کريم بر عمل صالح تأکيد فراوان کرده، مي‌فرمايد:

( وَ الْعَصْر \* إِنَّ الإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْر ).15

وجود وجه مشترکي چون «عمل صالح» اگر مورد توجه افراد باشد، سبب پيوند بيشتر آن‌ها مي‌شود و اين مهم، آن‌گاه به اوج مي‌رسدکه آن وجه مشترک، در اعماق وجود انسان‌ها ريشه کرده و در سويداي قلوب آن‌ها جاي داشته باشد. آثار اعمال نيکي چون تعاون، دستگيري و ايثارگري، همة مسلمانان را دربرمي‌گيرد. اين نگاه قرآني سبب وحدت قلوب و نزديکي دل‌ها مي‌شود. شکوه اين اعمال صالح را مي‌توان در موسم حج ديد.

ج : تأسي به سيرة نبوي

هنگامي‌که آن پيامبر رحمت و منادي وحدت، آواي توحيد را به گوش جانِ مسلمانانِ صدر اسلام رساند، عصبيت‌هاي جاهلي، فخر فروشي‌ها، قوم‌گرايي‌ها و افتخار به عشيره و نام و نسب، به کناري رفتند و نور عبوديت و وحدت، جامعة اسلامي را فرا گرفت.

اين وحدت ديني، سلمان فارسي و بلال حبشي را برادر کرد و در رديف نزديک‌ترين ياران پيامبر(صلی الله علیه و آله) قرار داد و بسياري از دشمني‌هاي ريشه‌دار صدر اسلام در ساية اين همفکري و هماهنگي برطرف گرديد و آن حضرت توانست دل‌هاي مسلمانان را فارغ از نژاد، زبان، رنگ پوست و... به خود جذب کند.

از بهترين ابتکارها و استراتژي‌هاي مهم آن حضرت در به کارگيري وحدت، برقراري اخوت ميان مسلمانان و قبايل گوناگون بود. پيام اين پيمان اخوت و برادري آن بود که در امت مسلمان صدر اسلام حساسيت خاص و مشترکي پيدا شود و آثار اختلافات داخلي در آن ضعيف و کم‌رنگ شود. اين کار بزرگ پيامبر باعث شد بسياري از مفاسد برگرفته از هواهاي نفساني از بين برود و اتحاد انساني جايگزين اختلافات حيواني گردد.

دو قبيله کاوس و خزرج نام داشت

يک ز ديگر جان خون آشام داشت

کين ‌ هاي کهنه ‌ شان از مصطفي

محو شد در نور اسلام و صفا

اولاً اخوان شدند آن دشمنان

همچو اعداد عِنَب در بوستان

وز دم المؤمنون اخوه به پند

درشکستند و تن واحد شدند

آفرين بر عشق کلّ اوستاد

صد هزاران ذره را داد اتحاد16

اين پيمان برادري تنها بر اساس نفي انگيزه‌هاي قومي و قبيله‌اي و بر محور حق و همکاري اجتماعي شکل گرفت و خداوند آن را اينگونه ستود:

( إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُون ).17

روح حاکم بر کليت اين پيمان، ايجاد وحدت اسلامي در راستاي نگاه آرماني و ارزشي پيامبر(صلی الله علیه و آله) در جامعة ديني بود. آن پيامبر رحمت توانست با اين پيمان، نوعي وحدت ميان تمامي مسلمانان برقرار نمايد به‌گونه‌اي‌که آنان را به صورت امت واحد درآورد.

باري در موسم حج و در بهترين مکان و زمان مي‌توان با تأسي به پيامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) زمينه‌هاي انسجام مسلمانان را بيش از پيش فزوني بخشيد.

2ـ 3 ـ 1 پيروي از سيرة معصومين:

امامان شيعي‌که از اصل و شجرة نبوت و وارثان به حق پيامبر(صلی الله علیه و آله) مي‌باشند، در جهت حفظ اسلام و جلوگيري از نفوذ دشمنان از توصيه به همبستگي و جماعت و عمل به آن، لحظه‌اي فروگذار نکرده‌اند. آن الگوهاي ديني در رفتار خود با مخالفان، آن چنان بودند که در بعضي اوقات مورد اعتراض بعضي از اصحاب واقع مي‌شدند. کلام آن بزگواران مانند رفتارشان دل‌هاي مؤمنان را به يکديگر نزديک مي‌نمود. امام صادق(علیه السلام) مي‌فرمايد:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبٍ وَ أُمٍّ وَ إِذَا ضَرَبَ عَلَي رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهِرَ لَهُ الآخَرُونَ». 18

«همانا مؤمنان برادر يکديگرند و فرزندان يک پدر و مادر مي‌باشند و اگر رگي از يکي بجنبد (و ناراحت باشد) ديگران به خاطر او شب را نمي‌خوابند.»

آن بزرگوار در حديث ديگري مي‌فرمايد:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنِ اشْتَكَي شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَة». 19

«مؤمن برادر مؤمن است، همچون يک پيکر که هرگاه عضوي از آن به درد آيد، ديگر اندام‌ها، آن درد را حس مي‌کنند و ارواح آن‌ها از يک روح است.»

در دوران امام باقر و امام صادق(علیهما السلام) حوزه‌هاي درس و بحث در مدينه، شهر پيامبر(صلی الله علیه و آله) و ديگر بلاد اسلامي برقرار مي‌شد که از آن جمله محضر پربار اين دو امام هُمام بود. مردم بسياري، که بيشتر از اهل سنت بودند، از محضر اين دو امام کسب فيض مي‌نمودند و ايشان نيز با سعة صدر احاديث و احکام جدشان را به آن‌ها مي‌آموختند.

در کنگرة عظيم و جهاني حج که ملت‌هاي مسلمان فارغ از هر نوع نژاد، رنگ، قوميت و مذهب به عشق زيارت خانة خدا و در جهت تمرين عملي بندگي، راه‌هاي طولاني را طي نموده‌اند، مي‌توان با تأسّي به پيامبر اعظم و امامان معصوم(علیهم السلام) زيباترين صحنه‌هاي همراهي و همدلي و وحدت را به رخ جهانيان کشاند. اين همراهي و وحدت مي‌تواند در اوضاع سياسي جهان و سرکوب نمودن نقشه‌هاي شوم بيگانگان تأثيرگذار باشد. کساني‌که در ايام حج در سرزمين حجاز بوده‌اند، مي‌دانند که چه‌قدر اين حرکت الهي آموزنده و باعث افزايش وحدت و اتحاد عمومي بوده است.

باري، شرايط امروز مسلمين در جهان، بسيار حساس و پيچيده است. همة ترفندها و نقشه‌ها براي چپاول و غارت ثروت‌هاي مسلمين و استثمار آن‌ها به کار گرفته شده، حتي بعضي از سرانِ عرب به نوعي با بيگانگان همراه شده‌اند. امروز مردم مسلمان غزّه به جرم دفاع از سرزمين و حيثيت خود متجاوز از پنج هزار شهيد و مجروح داده‌اند، در حالي‌که بعضي از سران عرب در اين کشتار بي‌رحمانه، به نوعي با غاصبان صهيونيستي همراه هستند. اين‌ها همه از نقشه‌هاي شوم اربابان استعمار در جهت شکستن صفوف مسلمين و امت‌هاي مسلمان است. لذا امام خميني(ره) با درايت خاصي چارة اساسي حلِّ گرفتاري‌هاي مسلمانان را وحدت ايشان دانسته و فرموده‌اند:

«امروز چاره چيست و براي شكستن اين بت‌ها چه تكليفي متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان مي‏باشد؟ يك چاره كه اساس چاره‏هاست و ريشه اين گرفتاري‌ها را قطع مي‏كند و فساد را از بن مي‏سوزاند، وحدت مسلمانان، بلكه تمامي مستضعفان و دربند كشيده شدگان جهان است. و اين وحدت، كه اسلام شريف و قرآن كريم بر آن پافشاري كرده‏اند، با دعوت و تبليغ دامنه‏دار بايد به وجود آيد و مركز اين دعوت و تبليغ، مكّة معظّمه در زمان اجتماع مسلمين براي فريضة حج است.»20

مقام معظم رهبري راه مقابله با نيرنگ‌هاي استعماري را وحدت دانسته، مي‌فرمايند:

« حج... مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اين‏كه خداوند متعال همة مسلمانان و هركه از ايشان را كه بتواند، به نقطه‌اي خاص و در زماني خاص فرا مي‏خواند و در اعمال و حركاتي كه مظهر همزيستي و نظم و هماهنگي است، آنان را روزها و شب‌هايي در كنار يكديگر مجتمع مي‏سازد، نخستين اثر نمايانش، تزريق احساس وحدت و جماعت در يكايك آنان و نشان دادن شكوه و شوكت اجتماع مسلمين به آنان و سيراب كردن ذهن هر يك تن آنان از احساس عظمت است. با احساس اين عظمت است كه مسلمان اگر تنها در شكاف كوهي هم زندگي كند، خود را تنها حس نمي‏كند. با احساس اين حقيقت است كه مسلمين در هر يك از كشورهاي اسلامي، شجاعت برخورد با اردوگاه ضديت با اسلام؛ يعني همين سلطة سياسي، اقتصادي دنياي سرمايه‏سالاري و عوامل و ايادي آن و نيرنگ و فتنه‏گري آن را مي‏يابند و افسون تحقير ـ كه اولين سلاح استعمارگران غربي در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست ـ در آنان نمي‏گيرد. با احساس اين عظمت است كه دولت‌هاي مسلمان با تكيه به مردم خود، از تكيه به قدرتهاي بيگانه خود را بي‏نياز حس

مي‏كنند.»21

3 ـ 3 ـ 1 تدوين منشور وحدت اسلامي

در روزهاي آغازين سال 86 مقام معظم رهبري طرح ابتکاريِ تدوين منشور وحدت اسلامي را پيشنهاد دادند. اين طرح مي‌تواند بسياري از گره‌هاي موجود در روابط ميان مسلمانان را بگشايد. ايشان فرمودند:

«علاج اصلي، داروي اصلي براي امروزِ دنياي اسلام، داروي «اتحاد» است؛ بايد با هم متحد بشوند. علما و روشنفكران اسلام بنشينند و منشور وحدت اسلامي را تنظيم كنند؛ منشوري تهيه كنند تا فلان آدم كج‏فهمِ متعصبِ وابستة به اين، يا فلان، يا آن فرقة اسلامي، نتواند آزادانه جماعت كثيري از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام كند؛ تكفير كند. تهية منشور جزو كارهايي است كه تاريخ، امروز از روشنفكران اسلامي و علماي اسلامي مطالبه مي‏كند. اگر شما اين كار را نكنيد، نسل‌هاي بعد از شما مؤاخذه خواهند كرد. مي‏بينيد دشمنيِ دشمنان را! مي‏بينيد تلاش آن‌ها را براي نابود كردن هويت اسلامي و ايجاد اختلاف بين امت اسلامي! بنشينيد علاج كنيد؛ اصول را بر فروع ترجيح بدهيد.»22

تدوين منشور وحدت اسلامي، با توجه به وضعيت عموميِ داخلي و منطقه‌اي، مي‌تواند مبنايي مناسب براي اتخاذ استراتژي ايران در مقابل کشورهاي اسلامي باشد. ظرفيت مناسب قانون اسلامي ما، نياز روزافزون جهان اسلام به عنصر اتحاد، جايگاه ويژه و رو به رشد نظام جمهوري اسلامي در سطح منطقه و جهان اسلام و حصول فهم نسبي مشترک ميان طيف قابل توجهي از نخبگان اسلامي پيرامون وحدت و... مجموعه‌اي از فرصت‌ها را پيش روي مسلمانان و جمهوري اسلامي ايران قرار داده است. در چنين وضعيتي، عاقلانه‌ترين کار براي تماميِ مذاهب، تدوين منشوري از بايدها و نبايدها بر اساس تحليل واقع‌بينانه از هست و نيست‌هاي موجود است.

4 ـ 3 ـ 1ـ طراحي ساختارها و نهادهاي بين المللي اسلامي

استفادة بهينه از ظرفيت‌ها و قابليت‌هاي سازمان‌هاي کنفرانس اسلامي و نهادهاي وابسته و نيز تقويت و توسعة آن و هم‌چنين تأسيس نهادهاي بين‌المللي جديد براي پاسخ‌گويي به نيازهاي جديد جهان اسلام مي‌تواند مفيد و ضروري تلقّي شود؛ از جملة اين نهادها عبارت‌اند از:

الف: تأسيس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه.

چنين مؤسسه‌اي مي‌تواند زير نظر سازمان کنفرانس اسلامي با کوشش فقها، متکلمان، فلاسفه و علماي اسلامي، مواضع فرق اسلامي را به يکديگر نزديک کند و مجموعه‌اي متقن از ديدگاه‌ها و آراء مستند و موثق آنان را در اختيار مسلمانان قرار دهد.

ب. تأسيس حوزه‌هاي علميه مشترک

براي تدوين و تدريس فقه مقارن و تربيت فقها و براي ترويج و تبيين فقه قابل قبول اسلامي براي همة فرق و مذاهب، ايجاد وحدت رويه ميان فقهاي بزرگ اسلامي براي ارائة پاسخ‌هاي متقن و مورد وفاق براي مسائل مستحدثه، مشاکل و معضلاتِ پيش روي جهان اسلام، فهم و نقد نظام‌هاي حقوقي رايج بين‌المللي، شور در فتوا و زمينه‌سازي براي تضارب آراي فقهي و در نهايت تأسيس دارالافتاي اسلامي، مي‌تواند نقش تعيين کننده‌اي در کاهش تنش‌هاي نظري و عملي ميان مسلمانان ايفا نمايد.

ج. تأسيس مؤسسات فرهنگي مشترک

هم‌چنين از راهکارهاي عمليِ شکل‌گيري وحدت، تأسيس مؤسسات فرهنگي مشترک است. ايجاد مؤسسات اطلاع‌رساني مشترک و بين‌المللي ـ اسلامي، خبرگزاري، مؤسسات پژوهشي و آموزشي و تدوين دائرة‌المعارف‌هاي مشترک، سرمايه‌گذاري براي توليد محصولات و بنگاه‌هاي فرهنگي مشترک؛ مانند بنياد سينمايي، توليد فيلم‌ها و سريال‌هاي قابل قبول براي همة فرق، تأليف رمان‌هاي ديني، فلسفي، تاريخي و مانند آن؛ از جمله اقدامات مفيد ديگري است که مي‌تواند زمينه‌ساز وحدت مسلمين گردد.23

بديهي است براي پيشبرد وحدت مسلمانان در سراسر جهان، اين مؤسسات و مراکز اسلامي مي‌تواند نقش مهمي را ايفا نمايد. امروز دنيا شاهد پيشرفت سريع مراکز ترويج افکار ضدّ اسلامي مي‌باشد؛ چه‌قدر خوب است مسلمانان نيز براي کمرنگ شدن توطئه‌هاي بيگانگان، اقدام به ايجاد مؤسسات اسلامي نمايند و موسم حج نيز بهترين زمان براي ترويج، تبليغ و تبيين اين نوع مؤسسات اسلامي است.

5 ـ 3 ـ 1ـ توجه به اشتراکات مسلمانان

امروز مسلمانان جهان، با برجسته کردن نقاط مشترک بسياري، مي‌توانند همرنگي و همدلي خود را به منصه ظهور برسانند. امام خميني(ره) ضمن تأييد اين نکته، بعضي از اين نقاط مشترک را بيان مي‌کنند:

الف. اسلام

ايشان اسلام را پرچم وحدت و يگانگي مسلمين نام برده و مي‌فرمايند:

«علماي بيدار اسلام دنبال اين امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به اين که مسلمين را تحت لواي اسلام به وحدت و يگانگي دعوت کنند.»24 «حبل الله اسلام است. صراط مستقيم، اسلام است. ريسمان بين حق و خلق، اسلام است.»25 «ما توجه نكرديم به دستورات اسلام كه بين همة مسلمان‌ها عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام به حبل الله و پيروي از خط اسلام مي‏فرمايد.»26

ب. منافع و اهداف مشترک

امروز مسلمانان جهان، منافع مشترک بسياري دارند که مي‌توانند بر اساس آن به اتحاد و انسجام بيشتري دسترسي پيدا کنند؛ از جمله نکاتي که امام به زوّار بيت الله الحرام متذکر شده‌اند، تبادل نظر و تفاهم در خصوص مسائل مسلمين است. باري به واسطة توسعة ارتباطات و پيشرفت‌هاي علمي، زمينه‌هاي مختلفي براي همفکري و همکاري بر اساس منافع و اهداف مشترک مسلمانان فراهم شده است که کنگرة حج بهترين زمينه براي بهره‌گيري از آن مي‌باشد. امام خميني(ره) مي‌فرمايد:

««در مصالح اسلام و مشكلات مسلمين تبادل آرا نموده و در حلّ مشكلات و راه رسيدن به آرمان مقدس اسلام، تصميمات لازم را اتخاذ نماييد و راه‌هاي اتحاد بين همة طوايف و مذاهب اسلامي را بررسي كنيد.»27

امام به واسطة اين اهداف و منافع مشترک معتقد بودند که مسلمانان بايد داراي ارتش مشترک باشند تا بتوانند از خود دفاع کنند:

«اگر ان شاء الله آن وحدت بين مسلمين و دولت‌هاي كشورهاي اسلامي كه خداوند تعالي و رسول عظيم الشأنش خواسته‏اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‏اند حاصل شود، دولت‌هاي كشورهاي اسلامي با پشتيباني ملت‌ها مي‏توانند يك ارتش مشترك دفاعيِ بيش از صد ميليونيِ تعليم ديده ذخيره و يك ارتش ده‏ها ميليوني زير پرچم داشته باشند، كه بزرگترين قدرت را در جهان به دست آورند.»28

ج : شناسايي دشمن مشترک

تاريخ صدر اسلام گوياي اين حقيقت تلخ است که به خصوص در زمان حکومت حضرت علي(علیه السلام) نشناختن دشمنان واقعي از ضعف‌هاي مهم و اساسي مسلمانان بوده است؛ ضعفي که سبب کنارگذاشتن واليان واقعي حکومت اسلامي و پياده نشدن احکام آن شد. عبرت گرفتن از اين جريان، نويدبخش راه آيندگان و مانع از تکرار تاريخ خواهد شد. هم‌چنين نقشة دشمناني را که در لباس‌ها و چهره‌هاي گوناگون در صدد ضربه زدن به کيان اسلام مي‌باشند، برملا نموده است و پيروزي اسلام و مسلمين را به ارمغان مي‌آورد. بدين‌سان امام ضمن تأييد دشمن‌شناسي به عنوان يک وظيفة مستمر مي‌فرمايد: «بايد شما دشمنتان را بشناسيد. اگر نشناسيد، نمي‏توانيد دفعش بكنيد.» 29

«ما بايد در كارهايي كه دشمن‌هاي ما مي‏كنند دقت كنيم و تحليل كنيم، ببينيم كه آن‌ها به چه چيز زياد اهميت مي‏دهند و انگشت روي چه حيثيتي از حيثيت‌هاي مسلمين مي‏گذارند و بفهميم كه آنچه كه آنها بر آن اصرار دارند هماني است كه براي مسلمين و براي بشر بد است. ما از گفتار و كردار آنها بايد كشف كنيم كه آنها چه مي‏خواهند و ما بايد چه بكنيم... هر راهي را كه آنها انتخاب كرده‏اند، ما بايد راه مقابلش را انتخاب كنيم...»30

مقام معظم رهبري حضرت آيت الله خامنه‌اي نيز دربارة اهميت دشمن‌شناسي فرموده‌اند:

«نبايد در شناخت دشمن اشتباه كرد. نبايد اين گمان و تصوّر را پيدا كرد كه دشمن از دشمني با اسلام و مسلمين دست برداشته است.» 31

اگر شناسايي دشمنان به صورت اصولي و همگاني باشد، همة مسلمانان به اين نتيجه مي‌رسند که داراي دشمن واحد هستند و مي‌توانند با همفکري او را از بين ببرند. امام خميني(ره) در اين باره مي‌گويند:

«به حجاج محترم و زائران بيت الله الحرام، از هر كشور و هر طايفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض مي‏كنم شما همه ملت اسلام و تابع پيامبر و پيرو دستورات قرآن مجيد هستيد؛ و همه، دشمنان غدار مشترك داريد.»32

آن‌چه که مي‌تواند در شناسايي دشمنان، به امت اسلامي کمک کند، علل دشمني دشمنان است. بديهي است توجه به علل دشمني بيگانگان، کمک بسزايي در شناسايي آن‌ها خواهد داشت. امام معتقد بودند گسترش اسلام و به خطر افتادن منافع استعمارگران، يکي از علل دشمني بيگانگان است، ايشان مي‌فرمود:

«آن‌ها (بيگانگان) خوف اين را دارند كه اسلام به آن طوري كه هست گسترش پيدا كند و همة كشورهاي اسلامي را بگيرد و به همة مستضعفين جهان پرتو بيفكند. آن‌ها خوف اين را دارند.»33

امام به اين نکته واقف بودند که دشمن گسترش اسلام را مساوي با نابودي خود و منافعش مي‌داند، بدين جهت مي‌فرمود:

«نقشه‏هاي حساب شده در كار است براي شكستن اسلام. مقصد اصيل اين است‏ كه اينها چون از اسلام سيلي خورده‏اند و... لهذا، دشمن اصلي، اسلام است‏!»34

مقام معظم رهبري نيز مي‌فرمايد:

آري، امروز دشمني اردوگاه استکبار به خاطر اسلام است. آن‌ها با اسلام دشمن‌اند و همة ملت‌هاي مسلماني که در راه اسلام مايل به فداکاري و حرکت هستند، بايد براي مقابله با دشمنان اسلام خود را آماده کنند.

بر اين اساس است که امام(ره) به حجاج بيت‌الله الحرام توصيه مي‌کردند در موسم حج ضمن شناسايي دشمن واقعي خود، با وحدت و همدلي، سعي کنيد از هرگونه تفرقه و اختلاف بپرهيزيد.

رهبر معظم انقلاب اسلامي نيز به حجاج بيت الله الحرام چنين هشدار مي‌دهد:

«بي‏خبري از حوادث ديگر بلاد اسلامي و ناهشياري در برابر نقشه‏هاي دشمنان دوبارة اسلام و مسلمين، و بسي بيماري‌هاي مهلك ديگر كه در طول تاريخ اسلام بر اثر تسلط نااهلان و ازخدابي‏خبران بر زندگي سياسي و سرنوشت مسلمين، همواره مسلمانان را تهديد كرده و در قرن‌هاي اخير، با حضور قدرت‌هاي استعماري بيگانه در منطقه يا دست‏نشاندگان فاسد و دنيا پرستشان، شكلي بحراني و ويرانگر به خود گرفته است.»35

باري، در موسم حج، افراد و گروه‌هاي زيادي از مناطق، نژادها و سليقه‌هاي گوناگون در کنار يکديگر قرار مي‌گيرند و وحدت و همدلي ميان آنان شکل گرفته و دل‌هايشان را به يکديگر نزديک مي‌کند. تلاقي و همدمي افراد و گروه‌هاي مختلف، از ميقات آغاز شده و در طواف و سعي، عرفات و مشعر و منا به اوج خود مي‌رسد.

2. برائت از مشرکان

در مکه، همة مسلمانان فارغ از نژاد، رنگ، قوميت، نسب و مانند آن، خود را در برابر خدا مي‌يابند. گويي انسان‌ها در آن مکان مقدس، همة منيّت‌ها را کنار زده و توجه خود را به پروردگار هستي معطوف مي‌سازند؛ چراکه خود را در برابر کعبه که نماد توحيد است مي‌بينند؛ نخستين خانة توحيد و بي‌سابقه‌ترين معبدي که در روي زمين به وجود آمد؛ خانه‌اي که براي مردم و محلّ برکت است:

( إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُديً لِلْعالَمِينَ ).36

«نخستين خانه‌اي که در سرزمين مکه براي مردم قرار داده شد و پربرکت و ماية هدايت جهانيان است.»

بر اين اساس است که امام خميني(ره) مکه را محلّ نشر توحيد دانسته، گفتند:

«ابراهيم خليل، در اول زمان و حبيب خدا و فرزند عزيزش مهدي موعود ـ روحي فداه ـ در آخر زمان، از كعبه نداي توحيد سردادند و مي‏دهند.»37

مقام معظم رهبري نيز گفته‌اند:

«كعبه خانة توحيد است. اين‏كه در آيات كريمة مربوط به حج، بارها از ذكرالله سخن رفته، نشانة آن است كه در اين خانه و به بركت آن، بايد هر عامل غيرخدا از صحنة ذهن و عمل مسلمين زدوده شود.»38

حال که کعبه نخستين مرکز عبادي و اوّلين خانة توحيدي است، بايد از هر آن‌چه غير اوست پاک شود و بايد همة بت‌ها که مظاهر شرک هستند، از آنجا برچيده شوند.

اين پدرِ توحيد (حضرت ابراهيم)، به ما و همة انسان‌ها آموخت که قرباني در راه خدا پيش از آن‌که جنبة توحيدي و عبادي داشته باشد، جنبه‌هاي سياسي و ارزش‌هاي اجتماعي دارد. او به ما و همه آموخت که عزيزترين ثمرة حيات خود را در راه خدا بدهيد و عيدي بگيريد. خود و عزيزان خود را فدا کنيد و دين خدا و عدل الهي را برپا نماييد. به ذرية آدم فهماند که مکه و منا قربانگاه عاشقان است. 39

آن‌چه را که امام و رهبري تأکيد کرده‌اند، شناخت مصاديق شرک است. اين امر کمک مي‌کند که ملت‌ها در هر زمان و در هر وضعيتي، با نمادهاي شرک مبارزه کنند:

«مگر ابرقدرت‌هاي زمان ما، بت‌هاي بزرگي نيستند كه جهانيان را به اطاعت و كرنش و پرستش خود مي‏خوانند و با زور و زر و تزوير خود را به آنان تحميل مي‏نمايند؟ كعبة معظّمه يكتا مركز شكستن اين بت‌ها است.»40

اگر اين رويکرد و نگاه عميق به مصاديقِ شرک، در ايام حج ميان ملت‌ها همگاني شود و همة ملت‌ها دريابندکه زورگويان امروز دنيا و متکبران عالم؛ يعني آمريکا و دول ديگر، از مصاديق بت‌هاي زر و زور هستند، زمينة طرد آن‌ها را از خود در حرم امن الهي و هرجاي عالم بهتر فراهم مي‌کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامي در تبيين اين مسأله مي‌گويند:

«شرك همواره به يك گونه نيست، و بت هميشه به شكل هياكل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمي‏شود. خانه‏ي خدا و حج بايد در همه‏ي زمانها شرك را در لباس خاص آن زمان، و بت شريك خدا را با جلوه‏ي مخصوص آن بشناساند و نفي و طرد كند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عُزّي» خبري نيست، اما به جاي آن و خطرناكتر از آن، بتهاي زر و زور استكبار و نظامهاي جاهلي و استكباري است كه همه‏ي فضاي زندگي مسلمين را در كشورهاي اسلامي فرا گرفته است.

بتي كه بسياري از مردم جهان و از جمله بسياري از مسلمين، امروز به جبر و تحميل، به عبادت و اطاعت از آن وادار مي‏شوند، بت قدرت امريكا است كه همه‏ي شؤون فرهنگي و سياسي و اقتصادي مسلمين را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع واغراض خود ـ كه نقطه‏ي مقابل مصالح مسلمين است ـ حركت مي‏دهد..»41

آري، از آن‌جا که روح حج توحيد است و توحيد و شرک با يکديگر ناسازگارند، قرآن مجيد مسلمانان را در مناسک حج به تبرّي از شرک فراخوانده و مي‌فرمايد:

( وَأَذانٌ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ إِلَي ‌ النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللهَ بَرِي‏ءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ... ).42

«و اين اعلامي است از ناحية خدا و پيامبرش به عموم مردم در روز حجّ اکبر (روز عيد قربان) که خدا و پيامبرِ او از مشرکان بيزارند.»

اين مرحله از عمليات حج آن قدر اهميت دارد که اگر آن را حذف کنيم، حج، ديگر واقعي نخواهد بود. امام بت شکن، خميني کبير(ره) واقعيت حج را اين‌گونه توصيف مي‌کند:

«حجِ بي‏روح و بي‏تحرّك و قيام، حج بي‏برائت، حج بي‏وحدت، و حجّي كه از آن هدم كفر و شرك بر نيايد، حج نيست.»43

امام اين برائت جستن از بيگانگان را مربوط به دورة خاصي نمي‌دانند و معتقدند در همة زمان‌ها بايد نداي برائت و بيزاري از دشمنان اسلام زمزمة حاجيان باشد و همه يکصدا آن را فرياد بزنند:

«فرياد برائت ازمشركان مخصوص به‌زمان خاص نيست، اين دستور است وجاويد.»44

مقام معظم رهبري ضمن تأييد ديدگاه حضرت امام(ره) حج را برترين جايگاه برائت از مشرکين دانسته، مي‌فرمايد:

«فرياد برائت كه امروز مسلمان در حج سر مي‏دهد، فرياد برائت از استكبار و ايادي آن است كه مع‏الاسف در كشورهاي اسلامي قدرتمندانه اعمال نفوذ مي‏كنند و با تحميل فرهنگ و سياست و نظام زندگي شرك‏آلود بر جوامع اسلامي، پايه‏هاي توحيد عملي را در زندگي مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غيرخدا كرده‏اند.»45

مقام معظم رهبري هم‌چنين معتقدند، حجّ علوي و حجّ حسيني، حجّي است که در عين توجه به خداوند و توجه به حکومت الهي و قدرت او، پشت کردن به قدرت طواغيت و جباران هم در آن هست. ايشان هر آن‌چه را که جاي خدا قرار گيرد و ولايت الهي را به ولايت خود تبديل کند و نيرو و ارادة بشر را در اختيار بگيرد، بت دانسته و مي‌فرمايد:

«حج، مظهر توحيد و نفي و رمي شيطان و تكرار شعار ابراهيم(علیه السلام) است كه گفت: (أَنَّ اللهَ بَرِي‏ءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)؛ صحنة اتحاد عظيم امت اسلامي برگرد محور توحيد وبرائت از مشركين و نفي و طرد همة بت‌ها است وبت، هر آن چيزي است كه به جاي خدا قرار گيرد و ولايت الهي را به ولايت خود تبديل كند ونيرو وارادة افراد بشر را در اختيار بگيرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرتهاي شيطانيِ سلطه‏گر و جبار، و چه عصبيت‌هاي جاهلي و ناحق.»46

نقش برائت از مشرکين در جهان اسلام

الف) نفي قدرت‌هاي استکباري

با اعلام بيزاري از قدرت‌هاي سلطه‌جو و استعماري، زمينه‌هاي اضمحلال و نابودي آن‌ها از سوي ملت‌ها مهيّا شده و مي‌کوشند زمينه‌هاي دخالت بيگانگان را در کشور خود از بين ببرند. وقتي آحاد ملت‌هاي مسلمان، دست در دست هم قرار داده و خواستار خروج استعمارگران از مناطق و سرزمين‌هاي خود شوند، ديگر جرأت نمي‌کنند دست به توطئه بزنند. امروز در ميان سران مسلمان دولت‌هاي اسلامي هنوز پديدة شوم ارتباط با قدرت‌هاي بيگانه وجود دارد. بعضي از دولت‌هاي اسلامي و عربي در منطقه، هنوز سر مست روابط با آمريکا و ولد نامشروع او؛ يعني اسرائيل هستند و جاي بسي تأسف است که چرا اين گرايش هنوز وجود دارد. علي‌رغم اين رفتارهاي خائنانه، آحاد ملت‌ها و بسياري از دولت‌ها به خوبي فهميده‌اند که دشمنان درصدد استثمار و استعمار آنان مي‌باشند، لذا با اعلان انزجار خود، زمينة نفي سلطه و قدرت‌طلبي آنان را در منطقه فراهم کرده‌اند. راه برون‌رفت از اين سلطه‌طلبي و سلطه‌پذيري، اتحاد و انسجام همة مسلمانان در اين امر خطير است. اتحاد در برابر زورگويي‌ها و تجاوزات، اتحاد در نفي وابستگي به دول غربي و اتحاد در برائت از دشمنان، قدرت‌طلبي‌هاي آنان را از بين مي‌برد. مقام معظم رهبري در تقبيح شرک مدرن مي‌فرمايند:

«گويي خداي دنيا ـ معاذالله ـ جباران و زورگويان و چپاولگران و ابرقدرتها و جنايتكاران‌اند و استضعاف و استعباد و استثمار خلايق و علو و استكبار نسبت به بندگان خدا حق مسلّم آنهاست، و همگان بايد پيشاني اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساييده و در برابر زورگويي و غارتگري و ميل و ارادة بي‏مهار آنان تسليم باشند... اين، همان شركي است كه امروز مسلمانان بايد با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهير كنند.»47

ب) به هم پيوستن مسلمانان

از آثار ديگرِ برائت از مشرکان، به هم پيوستن مسلمين جهان است. امام امت به اين نکته کاملاً واقف بودند که برائت واقعي در ساية اتحاد و انسجام آحاد مسلمانان فارغ از هرگونه امتياز مي‌باشد.

وقتي مسلمانان، جبهة مشرکان و دشمنان را تشخيص دادند، مي‌کوشند صف مقابله با آنان را در بين خود يکي کنند؛ مي‌کوشند اختلافات جزئي و سطحي را کنارگذاشته و آمادة طرد و نفي و برائت دشمنان واقعي شوند. بديهي است لازمه و نتيجة اين برائت، اتحاد صفوف مسلمين در برابر کفار و بيگانگان است. امام امت مي‌فرمايد:

«لازم است حجاج بيت الله الحرام در اين مجمع عمومي و سيل خروشان انساني، فرياد برائت از ظالمان و ستمكاران را هرچه رساتر برآورند و دست برادري را هرچه بيشتر بفشارند و مصالح عالية اسلام و مسلمين مظلوم را فداي فرقه گرايي و ملي‌گرايي نكنند و برادران مسْلم خود را هرچه بيشتر متوجه به توحيد كلمه و ترك عصبيت‌هاي جاهلي كه جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمي‏شود، بنمايند.» 48

ج) آگاهي و بيداري ساده دلان

وقتي توده‌هاي ميليونيِ ملت‌ها و آحاد مسلمين دست در دست يکديگر، به نفي دشمنان و بيگانگان و بيزاري از آنان مي‌پردازند، باعث مي‌شود حتي کساني که نسبت به بيگانگان و حرکت‌هاي سوء آنان اظهار ترديد و دو دلي کرده‌اند، نيز به خيل عظيم مسلمانان بپيوندند. امام خميني(ره) دربارة برائت از مشرکين سخن حکيمانه‌اي دارند و مي‌فرمايند:

«در پناه همين برائت از مشركين است كه حتي ساده دلان مي‏فهمند كه نبايد سر بر آستان شوروي و آمريكا نهاد.»49

3. فرهنگ‌سازي

اسلام برترين برنامة آسماني است‌که از طرف خدا توسط نبي مکرم اسلام، محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله) براي رستگاري و سعادت انسان‌ها فرستاده شد. برنامه‌اي‌که دربردارندة ويژگي‌ها و امتيازات بزرگي است.

اين امتيازات، زمينة پاسخگويي نيازهاي انسان‌ها را در همة اعصار فراهم نموده است؛ از جمله اين امتيازات، جامعيت آموزه‌هاي اسلامي است که توانسته است در ابعاد سياسي، فرهنگي، اجتماعي و نيز ابعاد فردي و شخصي، گره‌گشاي مشکلات بشر باشد. متأسفانه در دهه‌هاي اخير، بيگانگان فعاليت‌هاي زيادي را در پيش گرفته‌اند تا چهره‌اي غير واقعي از اسلام در جهان ارائه کنند. تحريف آموزه‌هاي اسلامي و اختلاف در صفوف مسلمين، بخشي از اين ترفندِ حساب‌شدة دشمنان است. بر رهبران ديني مسلمان‌هاست که در اين موقعيت حساس، آموزه‌هاي صحيح اسلام را براي توده‌هاي مردم تبيين کنند تا مسلمانان دچار انحراف و سردرگمي نشوند. ديده‌بانان جبهة اعتقادي بايد بکوشند زمينة درست انديشي را در ميان مردم رونق دهند و از اين راه، از تفسيرهاي نادرست و ناصواب و پيرايه‌هاي نابجايي‌که دين را در معرض خطر قرار مي‌دهد، جلوگيري نمايند. شکوه اين فرهنگ‌سازي را مي‌توان در موسم حج و برپايي کنگرة عظيم اسلامي ديد؛ چراکه بهترين فرصت، جهت رشد انديشه و آگاهي مسلمانان، رشد همزيستي مسالمت آميز و همگرايي آنان است و در اين ايام است که زمينه‌سازي براي تشکيل امت واحد اسلامي، رشد اخلاق اجتماعي و تقويت هويت اجتماعي مسلمانان و مانند آن به وجود مي‌آيد و از همين رو است که امام خميني(ره) و مقام معظم رهبري، آگاهي‌بخشي و فرهنگ‌سازي در موسم حج را از رسالت‌هاي مهم عالمان ديني شمرده‌اند.

1-3- بررسي مسائل و مشکلات جهان اسلام

حج، عرصة تلاقي انديشه‌هاي شکل گرفته در عالم اسلام است. در اين تلاقي، مناسب است مسائل و مشکلات مسلمانان هم مرور شود تا جهت رفع آن اقدامات عملي صورت پذيرد. امام خميني(ره) مي‌گويند:

« بايد در اين اجتماع عظيم الهي كه هيچ قدرتي جز قدرت لايزال خداوند نمي‏تواند آن را فراهم كند، مسلمانان به بررسي مشكلات عمومي مسلمين پرداخته و درراه رفع آنها با مشورت همگاني كوشش كنند...»50

مقام معظم رهبري ضمن تأييد اين مطلب گفته‌اند:

« موضوع مهم ديگري كه حجاج بيت‏الله به عنوان بخشي از هدف حج بايد به آن بپردازند، مسايل مهم و جاري جهان اسلام است.»51

بديهي است بررسي مشکلات، اين زمينه را به وجود مي‌آورد که مسلمانان از وضعيت يکديگر آگاه شوند و در جريان کمبودها و مشکلات قرار گيرند تا بر اساس آن، راهکارهاي لازم را در جهت رفع آن اتخاذ نمايند.

2-3- آگاهي از نقشه هاي شوم بيگانگان

از مسائلي که لازم است در ايام حج فرهنگ‌سازي شود، بيان نقشه‌هاي شوم دشمنان اسلام در جهت سست نمودن اسلام و مسلمانان است. بايد مسلمين در اقصي نقاط عالم از شگردهاي پيچيدة دشمنان آگاهي يابند تا مبادا آلت دست بيگانگان واقع شوند. امام خميني(ره) در اين باره مي‌فرمايند:

«اي زائران خانه خدا! توطئه‏هاي راست و چپ و خصوص آمريكاي چپاولگر و متجاوز و اسرائيل جنايتكار را به گوش عالميان برسانيد و از آنان استمداد كنيد و جنايات اين جنايتكاران را بشماريد.» 52

مقام معظم رهبري نيز فرموده‌اند:

«در ظلمات سلطة استكبار و ظلم بر جهانِ امروز، اسلام و قرآن يگانه ملجأيي است كه مي‏تواند ملتها را نجات دهد و به همين جهت، قدرتهاي زورگوي جهاني، تا آن‏جا كه بتوانند، با اسلام مقابله مي‏كنند و در راه حاكميت آن مانع مي‏سازند.»53

بديهي است از نکاتي که مورد توجه حضرت امام و رهبري مي‌باشد، بيان شيوه‌هاي مبارزه دشمنان با اسلام است که در بيداري مسلمانان نقش زيادي دارد. بعضي از اين شيوه‌ها را به‌طور گذرا مرور مي‌کنيم:

الف. تحقير فرهنگ اسلامي

دشمن به خوبي درک کرده است که اگر ملت‌هاي مسلمان به فرهنگ خود اتّکا نداشته باشند، زمينة فروپاشي استقلال فکري و در نتيجه پذيرش همة برنامه‌‌هاي استعماري توسط آنان فراهم خواهد شد. اعتراف صهيونيست‌ها در کنفرانس علمي و تحقيقاتي، که به منظور دستيابي به بهترين راه مبارزه با اسلام ترتيب يافت، گوياي اين واقعيت بودکه تحقير فرهنگ، بستر مناسبي در جهت پياده شدن اهداف بيگانگان است.54 بر اين اساس است که آنان مي‌کوشند زمينه‌هاي خودباوري در ميان مسمانان ترويج شود تا آن نوع نقشه‌ها را خنثي نمايد. امام(ره) مي‌گويند:

« مسلمانها بايد خودشان را پيدا كنند؛ يعني بفهمند كه خودشان يك فرهنگي دارند، خودشان يك كشوري دارند، خودشان يك شخصيتي دارند.» 55

موسم حج، فرصت مناسبي است براي تبيين فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب. در اين موسم عبادي ـ سياسي كه در مكاني مقدس برگزار مي‌گردد، مي‌توان تقابل فرهنگ غرب و فرهنگ اسلام را بيان کرد و از نقشه‌هاي شوم دشمنان در جهت بي هويتي و القاي فرهنگ خود پرده برداشت.

باري، نماد حرکت اسلامي در ميان مسلمانان، طغيان عليه ارزش‌هاي جاهلي و غربي است. مقام معظم رهبري در اين رابطه مي‌گويند:

«حركت اسلامي و انقلاب اسلامي، عبارت است از طغيان بر ارزش‌هاي جاهلي و نظام‌هاي طاغوتي كه بشر را به زنجيركشيده و موجب ظلم و فساد و تبعيض طبقاتي و نژادي و فحشاي عمومي و ستم‏پذيري توده‏ها و ديگر بدبختي‌هاي ملت‌ها شده و همه چيز را فداي سود بيشتر و حاكميت ظالمانة بيشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حركت صحيح اسلامي، صف‏بندي ميان دو نظام ارزشي و مبارزة ميان دو فرهنگ است؛ فرهنگ به زنجير كشيدن بشر، و فرهنگ نجات بشر.»56

در فرازي ديگر، مقام معظم رهبري فرهنگ به زنجيرکشيدن بشر؛ يعني فرهنگ غربي را اين گونه توصيف مي‌کنند:

«فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‏ريزي براي فساد انسان است، فرهنگ دشمني و بغض با ارزش‌ها و درخشندگي‌ها و فضيلت‌هاي انساني است، فرهنگي است كه همچون ابزار در اختيار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است. با اين فرهنگ، درصددند نسل بني‏آدم را از همه‏ي فضايل انساني تهي‏دست كنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطيع و تسليم و غافل از ياد خدا و معنويت تبديل كنند. منافع آنها، جز از طريق گسترش اين فرهنگ تأمين نمي‏شود.»57

ب. محو آثار ديانت

از شيوه‌هاي ديگر دشمنان دين براي رسيدن به اهداف خود، از بين بردن آثار دينداري است. آن‌ها خوب فهميده‌اند که اين نوع آثار، پيام‌هاي ويژة خود را دارد؛ پيام‌هايي که مي‌تواند استمراربخش حرکت تودة ملت‌ها عليه استکبار باشد. امام خميني(ره) ‌فرموده‌اند:

«دستهاي خيانتكار اجانب كه مي‏خواستند شرق را ـ و خصوصاً بلاد اسلامي را ـ براي منافع خودشان قبضه كنند، با مطالعاتي كه كرده بودند در اين بلاد... به آنجا رسيده‏اند كه نگذارند مسلمين متمسك به قرآن باشند. قرآن را آنها سد راه مي‏دانستند. اگر مسلمين همه متمسك به قرآن مي‏شدند، براي آنها مجالي باقي نمي‏ماند. قرآن را و اسلام را از مردم جدا كردند؛ ملتها از اسلام جدا شدند...58

مي‏خواهند طلاب علوم ديني را از علوم اسلامي باز دارند كه احكام اسلام به طاق نسيان سپرده شود و محو آثار ديانت به دست خودمان تحقق پيدا كند، و جوانان دانشگاهي ما را انگل و متكي به قشرهاي استعماري بار بياورند كه همه كس چون همه چيز وارداتي باشد و... و اين خطر بزرگي است‏.»59

مقام معظم رهبري نيز در اين باره مي‌فرمايند:

«مبارزة قدرت‌هاي استكباري با اسلام... با جديت دنبال شد... اكنون دولت‌هاي استكباري مانند آمريكا و انگليس و امثال آنان، پول‌هاي گزافي را در راه اين خصومت‌هاي جنايت‏آميز خرج مي‏كنند.... نكتة مهم آن است كه اين حركات خصمانه، ناشي از احساس ضعف اردوگاه استكبار در برابر اسلام است.

...امروز ايادي استكبار جهاني در همه‏جا در برابر اسلام موضع انفعالي دارند و كينه‏ورزي آنان با اسلام، چه با شيوه‏هاي فرهنگي و چه سياسي با زور و سرنيزه، از روي احساس ضعف و ترس در برابر موج فزايندة اسلام است...

اين نيز يكي از الطاف الهي است كه هر اقدام آنان براي توهين يا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملي براي شدت يافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن ارادة آنان در دفاع از اسلام تبديل مي‏شود.»60

ج. ترويج اسلام آمريکايي

از شيوه‌هايي که امروز دشمنان در ميان مسلمانان به کار مي‌گيرند، تحريف اسلام وآموزه‌هاي نوراني آن است. آنان همواره مي‌کوشند اسلامي را که در آن هيچ‌گونه مبارزه با ظلم و ضدّ ارزش نباشد ارائه کنند؛ اسلامي که فقط به جنبه‌هاي عبادي بپردازد و فارغ از مسائل سياسي و اجتماعي زمان خود باشد. امام خميني(ره) در اين باره مي‌گويد:

«امروز مراكز وهابيت در جهان به كانونهاي فتنه و جاسوسي مبدل شده‏اند، كه از يك طرف اسلام اشرافيت، اسلام ابوسفيان، اسلام ملّاهاي كثيف درباري، اسلام مقدس نماهاي بي‌شعور حوزه‏هاي علمي و دانشگاهي، اسلام ذلّت و نكبت، اسلام پول و زور، اسلام فريب و سازش و اسارت، اسلام حاكميت سرمايه و سرمايه داران بر مظلومين و پابرهنه‏ها، و در يك كلمه «اسلام آمريكايي» را ترويج مي‏كنند؛ و از طرف ديگر، سر بر آستان سرور خويش، آمريكاي جهانخوار مي‏گذارند.»61

مقام معظم رهبري از ماهيت اسلام آمريکايي اين گونه پرده برمي‌دارد:

«اسلام آمريكايي، چيزي به نام اسلام است كه در خدمت منافع قدرتهاي استكباري و توجيه‏ كنندة اعمال آن‌ها است؛ بهانه‌اي براي انزواي اهل دين و نپرداختن آنان به امور مسلمين و سرنوشت ملت‌هاي مسلمان است؛ وسيله‏‌اي براي جدا كردن بخش عظيمي از احكام اجتماعي و سياسي اسلام از مجموعة دين و منحصر كردن دين به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پايگاهي براي رتق و فتق امور مسلمين ـ چنان‏كه درصدر اسلام بوده است ـ بلكه به عنوان گوشه‏اي براي جدا شدن از زندگي و جدا كردن دنيا و آخرت).

اسلام آمريكايي، اسلام انسان‌هاي بي‏درد و بي‏سوزي است كه جز به خود و به رفاه حيواني خود نمي‏انديشند... اسلام آمريكايي، اسلام سلاطين و رؤسايي است كه منافع ملت‌هاي محروم و مظلوم خود را در آستانة آلهة آمريكايي و اروپايي قربان مي‏كنند و در مقابل، به حمايت آنان براي ادامة حكومت و قدرت ننگين خود چشم مي‏دوزند.»62

د. تسلّط بر خاورميانه

از نقشه هاي ديگر بيگانگان تسلّط بر خاورميانه است. محدوده‌اي که امروز خاورميانه ناميده مي‌شود، يکي از مهم‌ترين مناطق ژئوپلتيکي و ژئواستراتژيکي جهان است که در طي قرون و اعصارِ متمادي، همواره مورد توجه قدرت‌هاي بزرگ بوده است. حدّ فاصل اين محدوده، حدّ فاصل درياي سرخ در شمال غرب، منطقه قفقاز و درياي خزر در شمال و مرزهاي شرقي ايران در شرق و درياي عرب و اقيانوس هند در جنوب مي‌شود (و کشورهاي ايران، ترکيه، سوريه، عراق، لبنان، فلسطين اشغالي، اردن، عربستان، يمن، عمان و شيخ نشين‌هاي حاشيه جنوبي خليج فارس را در برمي‌گيرد. برخي از مهم‌ترين ويژگي‌هايي که در اين منطقه وجود دارد عبارت‌اند از:

1. کوتاه‌ترين واسطة خشکي ميان مرکز اوراسيا با آب‌هاي آزاد است.

2. بیش از 70 درصد ذخاير انرژي هيدروکربن جهان در اين منطقه قرار دارد.

3. کوتاه‌ترين فاصلة خشکي ميان جبهة دفاعي اروپاي غربي در غرب اوراسيا با جبهة دفاعي جنوب شرق آسياست.

4. وجود تنگه‌ها و آبراه‌هاي استراتژيکي و فوق العاده حساسِ جهان؛ همچون تنگة هرمز، تنگه باب المندب، کانال سوئز، تنگه بسفر، داردانل و... اهميت نظامي و ژئواستراتژيکي خاورميانه را براي بيگانگان دوچندان نموده است.

5. حساس‌ترين قلمروهاي ژئواستراتژيک جهان را شاخک‌ها (برنج‌ها)ي عملياتي تشکيل مي‌دهند. در وضعيت کنوني، در مقياس جهاني صحنه عملياتي، حوزة پاسيفيک است و مهم‌ترين شاخک‌هاي صحنة عملياتي پاسيفيک نيز در درجة اوّل شاخک خليج فارس و در درجة بعدي شاخک درياي سرخ است که هر دوي اين شاخک‌هاي علمياتي، در جبهة ژئواستراتژيکي خاورميانه قرار دارند. از اين نظر هم اهميت اين منطقه زياد است.

با توجه به اين ويژگي‌ها، خاورميانه همزمان از نظر سياسي، نظامي، اقتصادي و فرهنگي براي بيگانگان مهم بوده و هارتلند (قلب زمين) شده است.63 با اين امتيازات، بديهي است دولت‌هاي بيگانه در صدد سلطه بر اين منطقه و منابع آن باشند. لذا حضرت امام مي‌فرمود:

«در شرق (خاورميانه) چون مخازن زياد است، مخازن نفتْ زياد در شرق هست مثل كويت، مثل حجاز، مثل ايران، در اينجا اينطور مخازن هست، آن خارجيها تمام چشمشان دوخته شده است به اين مخازن ما.»64

امام خميني(ره) معتقد بودند جنگ افروزي‌ها و ايجاد اختلاف براي اين است که آن‌ها سلطة خود را در منطقه برگردانند. ايشان مي‌گويند:

«قدرت‌هاي بزرگ كه دستشان از مخازن بزرگ ايران كوتاه شده و سلطه وقدرتشان با همت ملت ايران و قواي مسلح آن قطع گرديده، اكنون به دست وپا افتاده‏اند تا با جنگ افروزي بين برادران، سلطة خود را اعاده دهند و چپاولگري خود را از سر گيرند.»65

مقام معظم رهبري در خصوص اين منطقة حساس و توطئه آمريکا مي‌گويند:

«مسألة بسيار مهم، سلطة روزافزون شيطان بزرگ بر ذخاير كشورهاي اسلامي و حضور بيش‏ازپيش سياسي و اقتصادي و حتّي نظامي آن در اين كشورهاست. اين ابرقدرت ظالم و سلطه‏طلب، پس از تحوّلات اخير جهان كه منتهي به فرو ريختن نظام‌هاي الحادي كمونيستي شد و شوروي از موضع رقابت با آمريكا فرو افتاد، درصدد است كه سراسر جهان و به‌خصوص مناطق زرخيز اسلامي را به منطقة نفوذ بي‏رقيب خود مبدل سازد و پس از فراغت از ـ به اصطلاح ـ جنگ سرد، به جنگ همه‏ جانبه‏اي با بيداري اسلامي ـ كه مانع مستحكمي در راه اين نفوذ است ـ كمر بسته است.

اين حكومت شيطاني، بنا بر مقتضاي طبيعت ضد فطري و ضد انساني خود، از درون دچار معضلات لاينحلي است؛ ليكن به اقتضاي همان طبيعت استكباري و جهانخواري، مي‏كوشد كه مشكلات خود را به كل جهان منتقل كند و با تسلط بر همة مراكز حساس و ثروت‏خيز عالم، از جمله خاورميانه و مخصوصاً خليج فارس، به حيات خود قدرتمندانه‏تر از پيش ادامه دهد.»66

3-3- بيان مظلوميت ملت فلسطين و جنايات اسرائيل

از مسائل مهمي که بارها امام خميني(ره) و مقام معظم رهبري بر آن تأکيد داشته‌اند، مسأله فلسطين است. شايد بتوان گفت که حضرت امام در بسياري از پيام‌هايش از مظلوميت ملت فلسطين و جنايت هاي رژيم اشغالگر صهيونيستي ياد کرده و از ملت‌ها خواسته‌اند در اين باره هم انديشي کنند. ايشان ضمن اظهار تأسف از برخورد حکومت‌هاي اسلامي دربارة مسأله فلسطين وبيداري مسلمين مي‌گويد:

«ننگ نيست بر كشورهاي اسلامي، بر حكومت‌هاي كشورهاي اسلامي كه اسرائيل بيايد و فلسطيني‏ها را آن‏طور (اذيت) كند؟ در لبنان آن جنايت‏ها را بكند و يك ميليارد جمعيت مسلمين بنشينند تماشاچي باشند؟ از چي مي‏ترسند اين‌ها؟ چرا بايد اين قدر بي‏عرضه باشند؟»67

«... وقتي مي‏رويد حج، اين مسلمين بلاد را بيدار كنيد، متحد كنيد با هم، بفهمانيد به آن‌ها كه چرا بايد بيش از يك ميليارد مسلمين تحت فشار دوتا قدرت چندصدميليوني باشند؟»68

مقام معظم رهبري در يکي از پيام‌هاي خود به حجاج بيت الله الحرام، مسأله فلسطين را مهم‌ترين مسألة روز و بشريت دانسته و از مسلمين جهان و زائران بيت الله الحرام مي‌خواهند در سراسر جهان براي حلّ آن چاره‌انديشي نمايند.

«مهمترين مسألة امروز، مسألة فلسطين است كه در نيم ‏قرن اخير همواره مهمترين مسألة جهان اسلام و شايد مهمترين مسألة بشريت بوده است. اين‏جا سخن از محنت و آوارگي و مظلوميت يك ملت است؛ سخن از غصب يك كشور است؛ سخن از ايجاد غده‏اي سرطاني در قلب كشورهاي اسلامي و در نقطة التقاي شرق و غرب جهان اسلام به يكديگر است؛ اين‏جا سخن از ظلم مستمري است كه اكنون دو نسل پي‏درپي از ملت مسلمان فلسطين را فرا گرفته است. امروزه كه قيام خونين اسلامي متكي به توده‏هاي مردم در سرزمين فلسطين، خطر واقعي و جدي را به اشغالگران بي‏وجدان و بيگانه از انسانيت و بي‏محابا از جنايت گوشزد مي‏كند، شيوه‏هاي دشمن از هميشه پيچيده‏تر و هشداردهنده‏تر است و مسلمين در سراسر جهان بايد مسأله را از هميشه جديتر بگيرند و براي آن فكري و كاري بكنند...»69

امام خميني(ره) معتقدند که فلسفة حج بايد جوابگوي فريادهاي مظلومانة ملت‌هاي مسلمان باشد. از منظر امام بايد گردش دور خانة خدا، ما را از غير او دور گرداند و رجم عقبات بايد زمينه‌ساز طرد شياطين انسي و ابرقدرت‌ها شود:

« امروز قبله اول مسلمين به دست اسرائيل، اين غدة سرطاني خاورميانه افتاده است. امروز برادران فلسطيني و لبناني عزيز ما را با تمام قدرت مي‏كوبد و به خاك و خون مي كشد... امروز آفريقاي مسلمان صداي فرياد مظلومانة خود را هر چه بيشتر بلند مي‏كند. فلسفة حج بايد جوابگوي اين فريادهاي مظلومانه باشد. گردش به دور خانة خدا نشان دهنده اين است كه به غير از خدا گِرد ديگري نگرديد. و رَجْم عَقَبات، رجم شياطين انس و جن است. شما با رجم، با خداي خود عهد كنيد تا شياطين انس و ابرقدرت‌ها را از كشورهاي اسلامي عزيز برانيد. امروز جهان اسلام به دست آمريكا گرفتار است. شما براي مسلمانان قاره‏هاي مختلف جهان پيامي از خداوند ببريد؛ پيامي كه به غير از خدا، بردگي و بندگي هيچ كس را نداشته باشيد.»70

از منظر مقام معظم ‌رهبري، علاج مسألة فلسطين در قطع غدة سرطاني؛ يعني اسرائيل است:

«ما علاج مسألة فلسطين را در راه‏حل‌هاي ديكته‏ شدة ابرقدرت‌ها نمي‏دانيم؛ علاج زخم فلسطين، فقط قلع غدة سرطاني حكومت صهيونيستي است و اين كاملاً ممكن است. مسلمانان در حج بايد به اين مسأله انديشيده، براي آن متعهد شده و هماهنگ شعار و عمل را در راه آن به كار برند... شما حاجيان نيز داراي همين وظيفه‏ايد و اگر همه به وظيفه عمل كنيم، زخم عميق پيكر اسلام بهبود خواهد يافت و ـ ان‏شاءالله ـ خدا با ماست.»71

باري از منظر رهبري معظم انقلاب اسلامي بزرگ‌ترين خطر براي حال و آيندة جهان اسلام، دولت غاصب صهيونيست است. بر مسلمانان است در اين رابطه هم انديشي داشته باشند.

«امروز دولت غاصب صهيونيست، بزرگترين خطر براي حال و آيندة جهان اسلام است و بر مسلمين است كه براي علاج اين خطر و رفع ظلمي به اين عظمت، درصدد علاج و چاره باشند.... علاج واقعي اين خطر به دست مسلمين است. آنان مي‏توانند با كمك‌هاي حقيقي به مبارزين مسلمان، قيام داخل كشور فلسطين را قويتر و كوبنده‏تر سازند، و نيز مي‏توانند به طرق گوناگون نگذارند كه دولت‌هاي منطقه به پيروي از خواست و تحميل آمريكا، تن به سازش با اسرائيل دهند.»72

اسرار معنوي و عرفاني

موسم حج، زمينة انقلاب و تحوّل دروني خيل عظيم توده‌هاي انساني است که به عشق ديدار يار به محضرش شتافته‌اند و مي‌کوشند از آن ضيافت الهي حداکثر بهره برداري را بنمايند. چه ضيافت بزرگي که ميزبان آن خداست و با رزق معنوي از ميهمانان پذيرايي کرده و دوست دارد پاداش خويش را بر آمرزش گناهان استوار سازد.

قال علي (علیه السلام) «الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللهِ وَ حَقٌّ عَلَي ‌ اللهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ وَ يَحْبُوَهُ بِالْمَغْفِرَة». 73

«حج گزار و به جا آورندة عمره ميهمان خدايند و بر اوست که ميهمان خويش را گرامي بدارد و با آمرزش او را پاداش دهد.»

از منظر امام خميني(ره) جهات معنوي و عرفاني حج بسيار است ولي آن چه که ايشان در اين ميان مهم شمرده‌اند اين نکته است که حاجي بداند به کجا مي‌رود، دعوت چه کسي را اجابت کرده و ميهمان چه کسي است و آداب اين ميهماني چيست؟74

اگر حاجي نداند در محضر چه ميزبان بزرگي قرار دارد، اگر نداند به چه مکان مقدسي وارد شده است و سرانجام اگر نداند به چه آدابي بايد توجه کند، به يقين از برکات سفر بهره‌مند نخواهد شد. در روايت آمده است که عبدالرحمان بن کثير مي‌گويد: با امام صادق(علیه السلام) به حج رفتم و هنگام عبور از راهي، آن حضرت برفراز کوهي رفت و از آن بالا به مردم نگريست و فرمود:

«مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجَ». 75

«چه بسيار است هياهو و چه اندک‌اند حاجيان!»

معلوم مي‌شودکه اين بصيرت و شناخت براي همه به وجود نمي‌آيد. همگان به اين معرفت نمي رسندکه دعوت چه کسي را اجابت کرده‌اند! باري، بايد در اين سفر الهي قصد خدا کرد و هر آن چه را که جز اوست ترک نمود؛ يعني پيش از اين‌که به حرم درآيد بايد دل را حريم دوست کند و همزمان با توجه به کعبه به سوي صاحب خانه رو کند. اگر اين‌گونه شود، همة رفتارهاي آدمي رنگ خدايي به خود مي‌گيرد و انسان برکات اين سفر روحاني را درک مي‌کند. در غير اين صورت معنويت سفر حج را از دست مي‌دهد. مقام معظم رهبري در اين باره مي‌فرمايند:

«اگر ما ديديم كه حج، جنبة مادّي و ظاهرسازي و دوري از معنويت پيدا كرد و در سفر حج رفتارهايي كه براي خودمان انتخاب مي‏كنيم يا بر ما تحميل مي‏كنند، ضد معنويت است، بايد بدانيم از فلسفة حج دور افتاده‏ايم. كساني كه حج و ايام حج را به ميزان زيادي صرف كارهايي مي‏كنند كه در جهت مقابل معنويت؛ يعني غرق شدن در ماديّت و دوري از خداست، در حقيقت، بدون اين كه خودشان بدانند، از آن سرمايه‏اي كه خداي متعال در حج به آن‌ها هديه كرده است، كم مي‏كنند. آن‌ها خيال مي‏كنند چيزي به‏دست مي‏آورند؛ در حالي‏كه چيزي از دست مي‏دهند و با غرق شدن در مادّيات، هدية معنوي را ناقص مي‏كنند.»76

اين بُعد معرفتي و معنوي سفر، بسيار اهميت دارد و شايسته است زائر بيت الله الحرام به آن توجه کند. امام صادق(علیه السلام) در حديث مفصلي در خصوص آداب حج به اين بعد توجه کرده، مي‌فرمايد:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلهِ تَعَالَي مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَ حِجَابِ كُلِّ حَاجِبٍ وَ فَوِّضْ أُمُورَكَ کُلَّهَا إِلَي خَالِقَکَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظهَرُ مِن حَرَكَاتِكَ وَ سَكَنَاتِكَ وَ...» 77

«چون خواستي حج بگزاري، پيش از آن که عزم رفتن کني، دلت را براي خدا از هر دلبستگي و مشغله‌اي و از هر حجابي خالي کن و همة کارهايت را به آفريدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکناتت به او توکل کن...»

معنويت حج، متفرّع به انجام صحيح دستورات عبادي حج

عقيده و باور امام(ره) بر اين است‌که معنويت حج زماني به دست مي‌آيد که ما بتوانيم دستورات عبادي آن را به دقت انجام دهيم:

«مراتب معنوي حج، كه سرماية حيات جاودانه است و انسان را به افق توحيد و تنزيه نزديك مي‏نمايد، حاصل نخواهد شد مگر آنكه دستورات عبادي حج به‏طور صحيح و شايسته و مو به مو عمل شود.»78

اين مهم به دوش روحانيون بزرگوار کاروان‌هاي حج و عمره است که کوشش کنند اعمال زائران بيت الله الحرام به نحو احسن و درست انجام شود. لذا حضرت امام ‌فرمودند:

«روحانيون معظم كاروان‌ها تمام همّ خود را صرف در تعليم و تعلّم مناسك حج كنند و بر مسأله دانان است كه از همراهان خود مواظبت كنند، كه خداي نخواسته تخلف از دستورات نشود.»79

تدبّر در راز و رمز اعمال حج

از پيام‌هاي امام حضرت خميني و مقام معظم رهبري استفاده مي‌شود که آن دو بزرگوار نسبت به اسرار و راز و رمز اعمال حج، توجه ويژه داشتند و ديگران را نيز به اين امر مهم توجه مي‌دادند. بر اين اساس، بعضي از اين نظريات و ديدگاه‌ها را مرور مي‌کنيم:

1. راز لبيک

تلبيه، پاسخ دادن به دعوت حق، اجابت نداي ابراهيم و وارث او خاتم پيامبران است. لحظه‌اي که آدمي در ميقات، لباس احرام بر تن مي‌کند و تلبيه مي‌گويد گويي از خود بيخود شده، مي‌خواهد غير او را از خود طرد کند. نگاه امام خميني(ره) را در اين باره مي‌خوانيم:

«لبّيك‌هاي مكرر از كساني حقيقت دارد كه نداي حق را به گوش جان شنيده و به دعوت الله تعالي به اسم جامع جواب مي‏دهند. مسأله، مسألة حضور در محضر است و مشاهدة جمال محبوب. گويي گوينده از خود در اين محضر بيخود شده و جواب دعوت را تكرار مي‏كند و دنبالة آن سلب شريك به معناي مطلق آن مي‏نمايد...

تلبيه‌هاي مکرر از کساني حقيقت دارد که نداي حق را به گوش جان شنيده و به دعوت الله به اسم جامع جواب مي‌دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب، گويي گوينده از خود در اين محضر بيخود شده و جواب دعوت را تکرار مي‌کند و دنباله آن سلب شريک به معناي مطلق مي‌نمايد...»80

«در لبيك لبيك، «نه» بر همة بت‌ها گوييد و فرياد «لا» بر همة طاغوت‌ها و طاغوتچه‏ها كشيد...»81

2. طواف نشانة انجذاب و برائت

طواف خانة خدا دو نشانه دارد؛ نشانة نخست گرايش به خدا، عشق به حق، دلدادگي و همراهي با فرشتگاني است که پيرامون عرش الهي در طواف‌اند. دومين نشانه، برائت است؛ برائت از اندادالله، طاغوتيان و بت پرستان. حضرت امام(ره) در اين باره مي‌گويند:

«در طواف حرم خدا كه نشانة عشق به حق است، دل را از ديگران تهي كنيد و جان را از خوف غير حق پاك سازيد و به موازات عشق به حق از بت‌هاي بزرگ و كوچك و طاغوت‌ها و وابستگانشان برائت جوييد كه خداي تعالي و دوستان او از آنان برائت جستند و همة آزادگان جهان از آنان بري هستند.»82

مقام معظم رهبري هم مي‌فرمايند:

«حج مظهر توحيد، و كعبه خانة توحيد است. اين‏كه در آيات كريمة مربوط به حج، بارها از ذكرالله سخن رفته، نشانة آن است كه در اين خانه و به بركت آن، بايد هر عامل غير خدا از صحنة ذهن و عمل مسلمين زدوده شود و بساط انواع شرك از زندگي آنان برچيده شود. در اين محيط، محور و مركز هر حركتي خداست و طواف و سعي و رمي و وقوف و ديگر شعائر الله حج، هر يك به نحوي نمايش انجذاب به «الله» و طرد و نفي و برائت از «انداد الله» است.»83

3. سعي، محلّ فرو ريختن قيد و بندهاي شيطاني

کوه صفا و مروه به ما درس مي‌دهد که براي احياي نام حق و به دست آوردن عظمت آيين او، همه، حتي کودک شيرخوار تا پاي جان بايستند. سعي صفا و مروه به ما مي‌آموزد در نوميدي‌ها بسي اميد است! هاجر، مادر اسماعيل در جايي‌که آبي به چشم نمي‌خورد تلاش کرد و خداوند نيز از راهي که هاجر تصور نمي‌کرد، سيرابش نمود. سعي صفا و مروه به ما مي‌گويد: روزگاري بر فراز آن‌ها بت‌هايي نصب بود اما امروز در اثر فعاليت‌هاي پي‌گير پيامبر(صلی الله علیه و آله) شب و روز در دامنه‌اش بانگ لا اله الا الله طنين انداز است. آري، قيد و بندهاي شيطاني و طاغوتي، همه در هم ريخت و به گفتة امام خميني(ره):

«در سعي بين صفا و مروه، با صدق و صفا سعي در يافتن محبوب كنيد كه با يافتن او، همه يافت‌هاي دنيایی گسسته شود و همه شك‌ها و ترديدها فرو ريزد و همة خوف و رجاهاي حيواني زايل شود و همة دلبستگي‌هاي مادي گسسته شود و آزادگي‌ها شكفته گردد و قيد و بند شيطان و طاغوت كه بندگان خدا را به اسارت و اطاعت كشند، در هم ريزد.»84

4. منا قربانگاه عاشقان

ذبح قرباني، رمز گذشت از همه چيز در راه معبود است. مظهري است براي تهي ساختن قلب از غير ياد خداوند. در منا محبوب‌ترين چيزها در راه خدا قرباني مي‌شود تا حاجي به محبوب مطلق برسد و رسيدن به محبوب مطلق، بدون دل کندن از محبوب‌هاي ديگر امکان پذير نمي‌باشد:

«... به منا رويد و آرزوهاي حقاني را در آنجا دريابيد كه آن قرباني نمودن محبوبترين چيز خويش در راه محبوب مطلق است. و بدانيد تا از اين محبوبها كه بالاترينش حب نفس است و حب دنيا تابع آن است، نگذريد به محبوب مطلق نرسيد و در اين حال است كه شيطان را رجم كنيد و شيطان از شما بگريزد. و رجم شيطان را در موارد مختلف با دستورهاي الهي تكرار كنيد كه شيطان و شيطان زادگان همه گريزان شوند.»85

مقام معظم رهبری هم در اين باره فرموده‌اند:

«از لحظة احرام و بيرون آمدن از تشخصات فردی و ترك بسياری از لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی، تا طواف بر گرد نماد توحيد و... حضور در منا و سنگباران نمادهای شيطانی و آنگاه تجسم پر معنای قربانی كردن و... از سوئی اخلاص و صفا و دل بريدن از سرگرمي‌های مادی و از سوئی... پرداختن به آراستگی دل و جان و از سوئی... خشوع در پيشگاه حق و از سوئی صلابت در برابر باطل...»86

3. اسرار اخلاقي

انسان از نگاه آيين اسلام، افزون بر بُعد مادي، داراي بعد معنوي و فطرت الهي نيز هست. خداوند گرايش متعالي و قدسي را در وجود او تعبيه نموده است؛ مانند گرايش به تقديس و پرستش، گرايش به حقيقت، گرايش به خلاقيت و نوآوري و گرايش به کمال. او مي‌خواهد مَنِ عالي خود را رشد دهد تا به مقام خليفة اللهي برسد. بديهي است آموزه‌هاي دين و دستورالعمل‌هاي آن نقش مهمي را در اين باره ايفا مي‌کنند. مناسک حج از برنامه‌هايي است که مي‌تواند ابعاد روحي و معنوي و اخلاق آدمي را متحوّل سازد. مي‌تواند خودشناسي و خودسازي به همراه داشته باشد. مي‌تواند دل را از غير خدا خالي کند. امام صادق(علیه السلام) مي‌فرمايد:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلهِ تَعَالَي مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَ حِجَابِ كُلِّ حَاجِبٍ...». 87

«هرگاه قصد حج داشتي، دلت را براي خدا از هر باز دارنده‌اي و از هر مانعي خالي ساز.»

1. درس اخلاص

امام خميني در بارة خلوص در عبادت فرموده‌اند:

«از مهمات در همة عبادات، اخلاص در عمل است... حجاج محترم مواظب باشند كه رضاي غير خداوند را در اعمال خود شركت ندهند... و مهم آن است كه حاج بداند كه كجا مي‏رود... و بداند هر خودخواهي و خودبيني با خداخواهي مخالف است... و اگر همين يك جهت عرفاني و معنوي براي انسان دست دهد... انسان در همة ميدان‌هاي سياسي و اجتماعي و فرهنگي و حتي نظامي پيروز مي‏شود.» 88

همچنين رهبر معظم انقلاب اسلامي فرموده‌اند:

«حج مظهر توحيد، و كعبه خانة توحيد است. اين‏كه در آيات كريمة مربوط به حج، بارها از ذكرالله سخن رفته، نشانة آن است كه در اين خانه و به بركت آن، بايد هر عامل غيرخدا از صحنة ذهن و عمل مسلمين زدوده شود.»89

2. درس خودسازي

در موسم حج، زائران بيت الله الحرام به کسب اخلاق خوش در برخورد با ديگران، تواضع، ايثار و از خودگذشتگي، احترام به همنوعان و مانند آن مي‌پردازند. مي‌کوشند آن صفات معنوي را در خود تقويت کنند و رذايل اخلاقي را از خود دور سازند.

حضرت امام در اين باره مي‌گويند:

«اخلاق كريمه انساني ـ اسلامي را با همه زوّار از هر طبقه و هر طايفه و هر رنگ و هر زبان و هر كشور باشند، با دقت مراعات نماييد و در برخوردها و رفت وآمدها در جميع اوقات و احوال و پيشامدها صبور و بردبار باشيد و كريمانه با همه رفتار نماييد و در مقابل درشتيها، نرمي و سلم و در مقابل بدرفتاريها، خوبي و محبت كنيد و براي رضاي خداوند تعالي تحمل هر پيشامد بدي از هركس باشد، با روي گشاده و سعه صدر نماييد.»90

3. درس تقوا و خويشتن داري

يکي از مهم‌ترين وظيفه زائران خانه خدا، تقوا و خويشتن داري است. امام صادق(علیه السلام) در اين باره مي‌فرمايند: «إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَي اللهِ» 91

حج، در جوهر و ذات خود، داراي دو عنصر اصلي است؛ «تقرب به خدا در انديشه و عمل» و «اجتناب از طاغوت و شيطان با جسم و جان» است. همة اعمال و تروک حج براي اين دو و در جهت آن و تأمين ابزار و مقدمات آن است. آيات حج ناظر به همين دو عنصر اصلي است؛ تقرّب به خدا، «ذکر و نماز و تسليم و احرام و به خود و خداوند انديشيدن و...

حضرت آيت الله خامنه‌اي در فراز ديگري غفلت زدايي را يکي از برترين تدابير حج شمرده‌اند:

«آدمي در ميدان‌هاي گوناگون زندگي، قرباني غفلت خويش است. هر جا غفلت هست انهدام اخلاقي و انحراف فكري و هزيمت روحي نيز هست و...

حج يكي از برترين تدابير اسلام در غفلت زدايي است...

مناسك حج، فرصت مي‌دهد كه ما اسارت و وابستگي غفلت بار خود به لذت طلبي و هوس و تن آسايي را موقتا ترك كنيم.»92

حسن ختام اين نوشتار دو پيام از امام راحل و مقام معظم رهبري است در بارة حج:

«حج، كانون معارف الهي است كه از آن محتواي سياست اسلام را در تمامي زواياي زندگي بايد جستجو نمود. حج پيام‏آور و ايجاد و بناي جامعه‏اي به دور از رذايل مادي و معنوي است. حج تجلي و تكرار همه صحنه‏هاي عشق آفرين زندگي يك انسان و يك جامعه متكامل در دنياست. و مناسك حج مناسك زندگي است. و از آنجا كه جامعه امت اسلامي، از هر نژاد و مليتي، بايد ابراهيمي شود تا به خيل امت محمد(صلی الله علیه و آله) پيوند خورد و يكي گردد و يدِ واحده شود، حج تنظيم و تمرين و تشكل اين زندگي توحيدي است. حج عرصه نمايش و آيينه سنجش استعدادها و توان مادي و معنوي مسلمانان است.»93

«حج عبادت است و ذكر و دعا و استغفار؛ اما عبادتي و ذكر و استغفاري در جهت ايجاد حيات طيبة امت اسلامي ونجات آن از زنجيرها وغل‌هاي استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزريق روح عزت و عظمت به آن و زدودن كسالت و ملالت از آن. اين است حجي كه از پايه‏هاي دين به‏شمار رفته و اميرالمؤمنين علي(علیه السلام) درنهج البلاغه آن را عَلَم اسلام و جهاد هر ناتوان و برطرف كنندة فقر وتنگدستي و ماية تقرب و نزديكي اهل دين به يكديگر شمرده است.»94

پی ‌ نوشت ‌ ها:

1 . فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص 14، دارالحدیث، 8

2 . پیام مقام معظم رهبری، تیرماه 68

3 . پیام امام به زائران بیت الله الحرام، 29/4/67

4 . همان.

5 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، تیر ماه 68

6 . روزنامه جمهوری اسلامی، 28/5/59

7 . صحيفه امام، ج13، ص130

8 . همان، ج 5 ، ص 278

9 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

10 . نهج الفصاحه، ص741، ح 2855

11 . نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 127

12 . نهج البلاغه، نامه 47

13 . بقره : 256

14 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

15 . عصر : 3 ـ 1

16 . مثنوی، مولوي، دفتر دوم.

17 . حجرات : 10

18 . میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج1، ح147

19 . ميزان الحکمه، محمدي ري‌شهري، ص149

20 . صحیفه نور، ج 18، ص90

21 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

22 . بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي‏ در ديدار كارگزاران نظام 17/1/86

23 . پیام، ش 85 ، مقاله مقدمه‌ای بر منشور وحدت اسلامی، محمدرضا احمدی.

24 . صحیفه نور، ج 13، ص 338

25 . همان، ج9، ص 167

26 . همان، ج 14، ص 226

27 . همان، ج 19، ص 321

28 . صحیفه نور، ج 18، ص 92

29 . همان، ج 12، ص 196

30 . همان، ج 15، ص 277

31 . بيانات مقام معظم رهبري در ديدار علما و روحانيان، 7/5/1371

32 . صحیفه نور، ج 19، ص 202

33 . صحيفة امام، ج 19، ص131

34 . صحیفه نور، ج 13، ص168

35 . پیام رهبری، 26/3/70

36 . آل عمران : 96

37 . صحیفه نور، ج 18، ص 78

38 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

39 . صحیفه امام، ج18، ص 78

40 . همان.

41 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

42 . توبه : 3

43 . صحیفه نور، ج 20، ص 228

44 . همان، ج 20، ص 21

45 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، 26/3/70

46 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، تیرماه 68

47 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، تیرماه 68

48 . صحيفة امام، ج20 ، ص94

49 . فصلنامه میقات حج، ش 30، سال 78، مقاله برائت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی (ره)، اسماعیل آبادی.

50 . صحیفه نور، ج 15، ص 123

51 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، 26/3/70

52 . صحیفه نور، ج 10، ص 222

53 . پيام تجليل از شهيدان و ايثارگران انقلاب اسلامي و جنگ تحميلي و خانواده‏هاي معظم آنها در ششمين روز از دهة فجر، 17/11/1370

54 . نفوذ استحاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله تهران، ص 17

55 . صحيفه امام، ج‏12، ص 321

56 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، 26/3/70

57 . سخنراني در ديدار با اقشار مختلف مردم و جمعي از پزشكان، پرستاران و كاركنان مراكز آموزش‏عالي و درماني كشور، 15/ 9/ 1368

58 . صحیفه نور، ج5، ص 172

59 . همان، ج2، ص 20

60 . منشور تداوم انقلاب، پیام رهبر انقلاب به مناسبت ایام حج، تیر 68

61 . صحیفه نور، ج 20، ص 221

62 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، تیرماه 68

63 . فصلنامه پیام، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ش 89، مقاله تأثیر هسته‌ای شدن ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه، محمدرضا احمدی، ص118

64 . صحیفه نور، ج 20، ص 146

65 . صحیفه نور، ج 13، ص 199

66 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، 26/3/70

67 . صحیفه نور، ج 18، ص 69

68 . همان، ص68

69 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، 26/3/70

70. صحیفه نور، ج 9، ص 224

71. پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، تيرماه 68

72. پیام رهبری به حجاج، مورخ 26/3/70

73. تحف العقول، ص123

74. صحیفه نور، ج 19، ص 199

75. میزان الحکمه، ح 3294

76. بيانات مقام معظم رهبري در ديدار كارگزاران حج‏ 16/1/74

77. میزان الحکمه، ح 3298

78. صحیفه نور، ج 19، ص 42

79. همان.

80 . صحیفه نور، ج 19، ص 42

81 . همان، ص 197

82 . صحیفه نور، ج 20، ص 18

83 . پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏ 26/3/70

84 . صحیفه نور، ج 20، ص 18

85 . همان، ج 20، ص 20 ـ 19

86 . پيام رهبر معظم انقلاب به كنگره عظيم حج، 17/9/87

87 . مصباح الشریعه، ص142

88 . صحیفه نور، ج 20، ص 145

89. پیام رهبری، مورخ 26/3/70

90. پیام امام خمینی، 16/5/65

91. کافی، ج4، ص338

92. پيام به حجاج بيت‏الله‏الحرام‏، سال 84

93. پیام امام خمینی(ره) به زائران، مورخ 29/4/67

94. پيام به حجاج بيت‏الله الحرام‏ 14/4/ 1368